

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و شرفارسی (بار ادب)

علمی - پژوهشی

سال پنجم / شماره اول / بهار ۱۳۹۱ / شماره پیاپی درجی: ۱۵

- بررسی مواد تشبیه به‌نوعان یک ویژگی سبکی در قصاید خالفتی شرواتی
- دکتر احمد فنی‌پور ملک‌شاه‌دکتر مرتضی محمدنی، مرتضی محمدزاده تاغمه‌چی
- نگاهی به سبک‌شناسی غزلیات عرفی شیروازی و تازگیهای آن، دکتر محمد مهدی غلامی بیدک، گردآفرین محمدی
- نقد و تحلیل ساختاری و نشانه‌شناسی داستانهای عاشقانه، دکتر احمد تیم‌ناری، سمانه عباسی
- اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌نامه، دکتر ابوالقاسم قوام‌میرم، دیر
- اشگردهای استفاده سعدی از آیات قرآن، دکتر امید مجدالله، آیین
- تحلیل گفتمانی رمان «کولی کنار آتش» حمیدرو روتی، پور دکتر مصطفی گرچی، دکتر فرهاد فرودگزین، افسانه میری
- یک ساخت تشبیهی نویافته بر پایه سبک تصویر آفرینی، قصاید خالفتی
- دکتر محسن‌رضا صالحی ملزندی، حمید مهنوی، فر
- تحول شریطه در سبکهای ادب فارسی، دکتر حسین اف‌احسینی، اعظم مصطفایی
- تکامل ترصیع و موازنه، دکتر محمدحسین محمدی، عینم حاجی پور
- گونه‌های «تناهی» ایهیمنی، بحر بوستان و گلستان سعدی، دکتر حبیب الله فسقری، جلاله جعفر پور، محمد جهان‌بین
- داستانک در حکایتهای قابوسنامه و تطبیق آن با مینهایسرم، دکتر جهان‌نوست سبزه‌هاپور، خورزانه عبدالطیبی
- چگونگی استفاده فردوسی از موسیقی در تأثیر گذار کردن متن، دکتر ماه نظری
- اشگردهای التفات در سه شاعر فارسی‌زبان، دکتر سعید واعظ، یحیی عطایی
- سبک نظامی در گسترش ترکیبات هنری، دکتر دلود اسپرهم
- بررسی محتوایی و سبکی نسخه «خطی» «جل عاینجل»، دکتر فاطمه کوپا
- تحلیل ساختاری داستان جولاهه با مار بر پایه نظریه گریملی، دکتر محمود فضیلت، صدیقه نارویی
- هنر در شاهنامه، دکتر موسی پورنیل، بهین امیدیان، سعید آرمان حسینی، آبیاریکی
- سبک ساختاری و محتوایی نامه‌های درباری عهد حکیم میرزا، دکتر محمد ایرانی، فرهاد مرادی
- معرفی کتاب «هدایت نامه» برخی ویژگیهای آن
- دکتر جمشید منظرهی (سروشیار)، دکتر محسن محمدی، مشارکی، طاهره کاکویی، ورنوسفادراتی
- برآیند قدرت شخصیت در نمایشنامه، دکتر بهروز محمودی، پختیاری، خروگی، فرشته حکمت
- تصویرپردازی عاطفی (خشم و ترس) در بوستان سعدی، با نکیه بر مباحث روانشناسی
- دکتر منظر سلطانی، طاهره صادقی
- کارکردهای هنری و بلاغی، کتابه در کشفهای مکاشفه احمد عزیزی، دکتر منوچهر اکبری، صدیقه غلامزاده
- شناخت ماهیت «تکلم» و اثر آن بر آموزش زبان، دکتر محمد حسن فولادبان، یوسف الشیخ
- بررسی برخی ویژگیهای ناگزینار، جمله پنه تا ملاقات خدا، محسن‌رضا شعبانی

شماره استاندارد بین‌المللی:

دارای نمایه بین‌المللی ISC

۲۷۸۹ - ۲۰۰۸

اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌نامه

ص: ۶۶ - ۶۲

مریم درویش‌نویسنده مسئول: اوانلسه نوام محمود فتوحی روه معنی^۲، معمدرفنا عاشقی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰۷۳۰

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۰۱۰۱۹

چکیده:

یکی از مطالعات پایه‌ای و بنیادی جهت انجام پژوهش‌های سبک‌شناسی، شناخت گونه‌ها (ژانرها) و رده‌بندی آنهاست. آنچه نامه‌ها، مکتوبات، عکاتیب، منبآت یا ترسلات نامیده شده، یکی از گونه‌های نوشتاری است که بعنوان بخشی از فرهنگ و ادبیات قوم ایرانی نیازمند مطالعات هدفمند و دامنه‌داری هستند اما هنوز به عنوان یک گونه‌نوشتاری چندان مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته‌اند. نامه یک رسانه ارتباطی است که بوسیله آن فرد ییاعی را به دیگری انتقال میدهد؛ برای مقاصد مختلفی مانند اطلاع دادن، دستور دادن، ترغیب کردن، اطمینان دادن و ... در نامه‌ها معمولاً مخاطب فرد معینی است. داشتن مخاطب معین به اینگونه نوشتاری ویژگی‌هایی داده که آن را از سایر گونه‌های نثر (علمی، ادبی، تاریخی، مقاله، داستان نویسی و ...) متمایز کرده است. شناخت این ویژگی‌ها و رده‌بندی نامه‌ها مسأله‌ای است که پژوهش حاضر بدان میپردازد؛ پرسش‌های مطرح در پژوهش این است که در گونه‌نامه چه ویژگی‌های شاخصی وجود دارد که آن را از دیگر گونه‌های نثر متمایز میکند؟ چگونه و با چه متغیرهایی میتوان به رده‌بندی نامه‌ها پرداخت به گونه‌ای که شباهت‌های آنها جهت نظم یافتن در یک رده و تفاوت‌شان برای فرار گرفتن در رده‌های متفاوت آشکار شود؟ هدف تحقیق این است که با پرداختن به اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و رده‌بندی، زمینه را برای انجام مطالعات و پژوهش‌های سبک‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی و بررسی رابطه قدرت در نامه‌ها و ... در حوزه نامه‌نگاری فارسی فراهم کند. در این پژوهش، بافت بیرونی و عناصر مهم بافت موقعیتی که عبارات از: نویسنده، مخاطب، نوع رابطه آنها و کنش یا کارکرد نامه بعنوان مبنای توصیف و طبقه‌بندی نامه‌ها در نظر گرفته شده است.

کلمات کلیدی:

نامه، رده‌بندی، نویسنده، مخاطب، کارکرد.

۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، شبکه فردوسی مشهد Forpari91@gmail.com

۲ - استادیار دانشگاه فردوسی مشهد - اساتذ راهنمای پایان‌نامه

۳ - استاذ دانشگاه فردوسی مشهد - اساتذ مشاور اول

۴ - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد - استاذ مشاور دوم

۱- درآمد: بیان مسأله، ضرورت طرح آن، هدف و پرسشهای تحقیق

نامه‌ها، بخش قابل توجهی از تاریخ تمدن و فرهنگ سرزمین ما را به صورت میراث مکتوب به نسلهای بعد انتقال داده‌اند و از نظر تاریخی اطلاعات مهمی را درباره پادشاهان، امرا، رجال دولتی، علما، فقها و مشاهیر روزگار خود در بر دارند و حاوی آگاهیهای مفیدی درباره نحوه تعامل اجتماعی افراد با یکدیگر، آداب و رسوم اجتماعی از قبیل تهنیت، بشارت، تعزیت، فتح و پیروزی، شکست و دلجویی و ... هستند. همچنین اطلاعات سودمندی درباره وضعیت اجتماعی، اقتصادی و رفاهی مردم ولایتهای مختلف در دوره‌های گوناگون تاریخی به خوانندگان و پژوهشگران امروزی میدهند تا بتوانند با گذشته تاریخی خود ارتباط برقرار کنند اطلاعاتی که نامه‌ها به ما میدهند از این جهت حائز اهمیت است که در شمار منابع دست اول قرار میگیرند؛ بسیاری از این مجموعه‌ها در زمان نویسنده یا در روزگار پادشاهی که این نویسندگان در دربار آنها کار میکردند، تألیف شده‌اند. با توجه به اینکه در برخی از دوره‌های تاریخی تعداد منابع دست اول اندک است، اهمیت نامه‌ها دوچندان میشود. علاوه بر این، این نامه‌ها اسناد تاریخی بحساب می‌آیند و ارزش اطلاعات آنها از کتابهای تاریخ بیشتر است. موضوع دیگری که بر اهمیت این گونه نوشتاری می‌افزاید توجه به وضعیت گزینش و تربیت نویسندگان نامه‌هاست؛ دبیرانی که به دیوان رسالت راه پیدا میکردند، افراد لایقی بودند و بعد از اثبات شایستگی‌شان اجازه نوشتن نامه به آنها داده میشد. این سخت‌گیری در گزینش دبیران، به جهت اهمیتی بوده که نامندگاری در روابط حکومتها با یکدیگر داشته و رعایت شأن مخاطب، بویژه مخاطب فرا دست، یک ضرورت به حساب می‌آمده است. همچنین تقویت حسمت و عظمت یک پادشاهی در نظر فرودستان و ایجاد آرامش و امنیت در بلاد و سرزمینهای تحت امر او تا حد زیادی به نحوه مکاتبات و درجه اطمینانی که در این نامه‌ها به شحنگان، حاکمان و رعیت داده میشد، بستگی داشت.

انجام این پژوهش به این جهت ضروری است که نامه‌ها بعنوان بخشی از فرهنگ ادبیات قوم ایرانی نیازمند مطالعات هدفمند و دامنه‌داری هستند اما هنوز بعنوان یک گونه نوشتاری در زبان فارسی چندان مورد تحقیق و پژوهش قرار نگرفته‌اند.

۱-۲ پیشینه تحقیق

در ارتباط با نامه‌های فارسی، در سال ۱۹۷۱ کتابی با عنوان شناخت نامندگاری فارسی از بابر تا شاه جهان، مطالعه‌ای در باب انشاء، دارالانشاء و منشیان به زبان انگلیسی به

رسید. این پژوهش همزمان با چندین پژوهش در باره نامه‌های یونانی و پژوهشی در باب نامه‌های مصری^۱ در دهه هفتاد میلادی انجام پذیرفت. اگرچه تحقیقات در نامنگاری قدیم یونان و روم تاکنون ادامه یافته است اما نامنگاری فارسی مورد تحقیق و پژوهش جدی قرار نگرفت و تعداد پژوهشهای انجام شده در این زمینه بسیار اندک است. موارد زیر از جمله این پژوهشهاست:

محمد رضا حاج آقابابایی (۱۳۸۲: ۹۲ - ۱۲۷) بخشی از رساله دکتری خود را با عنوان «بررسی نثر در دوره قاجار و تعیین حوزه‌های آن» به منشآت نویسی و رسایل اداری دوره قاجار اختصاص داده و به توصیف ویژگیهای نثر منتسبانه این عصر و به معرفی نویسندگان برتر این دوره پرداخته است.

پایان نامه کارشناسی ارشد مریم فضلی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی سه متغیر زبانی شیوه بیان، صورتهای ارجاعی (ضمایر) و القاب در مکتوبات مولانا» به بررسی سه متغیر زبانی مذکور در نامه‌های مولانا اختصاص یافته است. درباره نامه‌های مولانا نیز دو مقاله با عنوانهای «ارزش ادبی مکتوبات مولانا» (حداد عبدال، ۱۳۸۱) و «چهره مولانا در الیوم شخصی او» (همان) به چاپ رسیده است. در مقاله نخست، نویسنده هدف از نگارش مقاله را شناساندن مکتوبات مولانا به خوانندگان عنوان کرده است و در مقاله دوم، تفاوت‌های نامه‌ها با مثنوی و غزلیات شمس سخن گفته و اینکه مکتوبات در پیچهای است به زندگی خصوصی مولانا و به ما این امکان را میدهد که از نزدیک تصویری واقعیت‌ر، دقیق‌تر و کامل‌تر از شخصیت او ترسیم کنیم.

۱-۳ مبانی نظری و روش تحقیق

در این پژوهش با تکیه بر آرای کلاسیک^۲ که به طبقه‌بندی گونه‌ها اهمیت میدهند، به توصیف و طبقه‌بندی گونه نامه پرداخته شد؛ روش پژوهش بدینگونه است که ابتدا ویژگیهای متمایز این گونه نوشتاری را - با توجه به ویژگی شاخص نامه‌ها (داشتن مخاطب

^۱ Egyptian epistolography from the Eighteenth to the Twentieth Dynasty, first Dynasty (Bibliothèque d'Égypte) by Abd el-Mohsen Bakir (Paperback - 1970)

^۲ Logical epistolography (letter writing): An article from: Word Ways (Digital - Dec 5, 2005) - HTML
A Study in Greek Epistolography: The Form of the Ancient Greek Letter by Francis Xavier J. Exler (Paperback - Apr 2003)

معین) و با در نظر گرفتن ساختار آنها - برمی‌شماریم سپس با توجه به بافت بیرونی و موقعیت متن، گونه‌نامه را طبقه‌بندی و توصیف می‌کنیم.

-۱-

نگاهی اجمالی به نامه‌نگاری در زبان فارسی

نامه‌تنسر به جشنف (گشنسب) جزو معدود آثار باقیمانده از زبان پهلوی است که پژوهشهای مربوط به نامه‌نگاری را به دوران قبل از اسلام مرتبط میکند. بنا بر نظر بیشتر پژوهشگران (مینوی، ۱۳۱۱: ه-ک) این نامه را شخصی به نام تنسر - زاهدی که در منابع کهن به او عنوان هیربدان هیرید (رئیس نگهبانان آتشکده) اردشیر پاپکان (در سال ۲۲۶ میلادی به‌عنوان شاهنشاه کشور ایران بر تخت نشست) داده‌شده - به جشنسف - شاه و شاهزاده طبرستان و قدشوارگر (جیلان و دینمان و رویان و دناوند) نوشته‌است.

بعد از اسلام شاید بتوان محمد بن وصیف، دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری را نخستین دبیر رسمی دانست (بهار، ۱۳۶۹: ۸۴۲). پس از وی در قرن چهارم دبیران نامبرداری همچون بو نصر مشکان، صاحب دیوان رسالت محمود و مسعود و شاگرد وی ابوالفضل بیهقی، دبیر دیوان رسایل محمود و مسعود پدید آمدند. اما تدوین منشآت و جمع و تألیف آن توسط نویسندگان یا شخص دیگر، از دوران غزنویان و بوسیله بیهقی آغاز شده و در اواخر عهد سلجوقیان به کمال خود رسیده است. در تریخ بیهقی تعداد نامه‌هایی که به صورت کامل آمده، اندک است؛ به لحاظ این که بیهقی نامه‌های خودی و استادش بو نصر را در ضمن یک نوشتار تاریخی آورده نه در مجموعه‌ای مستقل با عنوان «نامه‌ها» بنابراین در بیشتر موارد بخشی از نامه را آورده و با درباره محتوای نامه توضیحاتی داده است مانند این نمونه:

و با اینهمه نامه نبشت به بوری نگین و رسول فرستاد و زشتی این حال که رفت بوخت و ختلان باز نمود و مصرح بگفت که «سلطان از غزنین حرکت کرد، و اگر تو بطاعت می‌آید اثر طاعت نیست» (بیهقی، ۱۳۶۸: ۳: ۸۸۸).

قدیمی‌ترین مجموعه نامه‌هایی که اکنون در دست داریم، از دو دبیر اواسط قرن ششم است: یکی رشیدالدین، دبیر خوارزمشاهیان و دیگری همکار معاصر وی منتجب الدین پداناپاک جوینی منشی و صاحب دیوان انشای سلطان سنجر که منشآت دیوانی و اخوانی خود را در مجموعه‌ای به نام عتبه‌الکتابه گرد آورده است. بهاء‌الدین محمد بغدادی، منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه (که از سال ۵۶۸ - ۵۹۶ سلطنت کرد)، نیز به تقلید از آن منشی بزرگ منشآت خود را در مجموعه‌ای به نام «التوسل الی الترس» جمع‌آوری کرده است.

دوره سلجوقیان، خوارزمشاهیان و ایلخانان مغول به دلیل وجود آثار فراوان در زمینه ترسل و انشا و اهمیت آنها، مهم‌ترین دوره منشآت نویسی در زبان فارسی است. این دوره مستند در تاریخ ایران دوره نرقی و رواج ترسل و انشای فارسی است. از علل عمده این ترقی، وجود مدارس متعدد در شهرهای مختلف، تعلیم و تربیت شاگردان، تشویق و ترغیب سلاطین و وزراء و انگیزه‌های رسیدن به مقامات عالی در تشکیلات سلطنتی بوده است (وطواط، ۱۳۳۸: ۷۹).

منشآت فارسی که راه دشوارنویسی و صنعت‌پردازی را می‌بیمد در دوره قاجار و عصر مشروطه دچار تحول شد و به ساده‌نویسی روی آورد. امیر نظام گروسی، قائم‌مقام فراهانی، فرهادمیرزا معتمدآدوله و بغمای جندقی از جمله کسانی هستند که در این تحول پیشگام بوده‌اند.

علاوه بر منشآت نویسی، مجموعه نامه‌هایی در خارج از تشکیلات دربار به نگارش درآمده که متعلق به بزرگان دینی، زاهدان و صوفیان بوده از قبیل: مکاتیب سنایی، مکاتیب فارسی غزالی، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، نامه‌های عین‌الاقضات همدانی، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی و ... یا متعلق به بزرگان سیاسی، وزیران و سفیران مانند: نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدانوزراء قائم‌مقام فراهانی، نامه‌های امیرکبیر، نامه‌های سیاسی دهخدا و ... یا بزرگان ادب و هنر نوبسنده آنها بوده‌اند، مانند: کتبی و توقان، نامه‌های جلال آل‌احمد، نامه‌های کمال‌الملک، نامه‌های اشرف براون به سید حسن تقی‌زاده و ...

با توجه به تنوع و تعداد زیاد نامه‌ها، توصیف و طبقه‌بندی گونه‌نامه جزو مطالعات پایه در این زمینه است؛ بازیابی ویژگی‌های هویت‌بخش گونه‌نامه و در نظر گرفتن مبنایی برای طبقه‌بندی نامه‌ها و زیرگونه‌های مختلف آن شروعی برای این توصیف و طبقه‌بندی به حساب می‌آید.

۱-۲ ویژگی‌های هویت‌بخش ژانر نامه

ویژگی‌های مشابه در اسلوب نوشتار نامه‌ها، به نام‌نگاری فارسی هویت خاصی داده که در عین رابطه داشتن با دیگر انواع نثر، گونه‌ای مستقل به حساب می‌آید. با مطالعه نمونه‌های گوناگون نامه‌ها این ویژگی‌های مشابه قابل بازیابیند. علاوه بر بررسی تقابلی اسلوب نوشتار نامه‌ها با ویژگی‌های عمومی نثرهای علمی، ادبی، تاریخی، مقامه‌نویسی، داستان‌نویسی و غیره ویژگی‌های متمایز گونه‌نامه را از سایر گونه‌های نثر نشان می‌دهند.

۲-۱-۱ ویژگیهای مشابه در اسلوب نوشتار نامه‌ها

در نامه‌ها معمولاً مخاطب فرد معینی است. داشتن مخاطب معین به این گونه نوشتاری ویژگی‌هایی داده که آن را از سایر گونه‌های نثر متمایز کرده‌است. براساس مطالعه و بررسی نمونه‌های مختلف نامه‌ها، موارد زیر را بعنوان ویژگی‌های مشابه اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی میتوان نام برد:

• در گونه نامه ذکر القاب و عناوین مخاطب و دعا در حق او چه به اختصار و چه با اطناب رایج بوده است.

• در مقدمه نامه‌ها، علاوه بر دعای مخاطب، آرزوی توفیق و سعادت برای او، پرسش از حال و روز او معمول بوده و در مواردی از نامه‌ای که قبلاً برای نویسنده فرستاده و یا کاری که برای او انجام داده بسا سگزاری شده است.

• در متن اصلی، خواسته نویسنده یا هدف نوشتن نامه مطرح میشود که یکی از موارد ترغیب مخاطب به کمک و باری رساندن به کسی، آزاد کردن شخصی، اعلام حمایت و پشتیبانی از مخاطب یا فردی دیگر، شکایت از شخص یا گروهی، نصیحت کردن مخاطب، دفاع از خود یا دیگری، واگذار کردن حکومت ولایت، قاضی‌القضاتی شهر، خطابت مسجد، تدریس مدرسه، نقابت سادات، و... را در بر میگیرد.

• در بخش پایانی، نویسنده معمولاً نامه را با دعا در حق مخاطب و در مواردی با سفارشهای لازم به پایان رسانده است.

• حجم نوشتار نامه‌ها، بین یک تا چهار صفحه منبسط است اگرچه در بین نامه‌ها منشور هفده صفحه‌ای نیز وجود دارد (بغدادی، ۱۳۸۵: ۱۳ - ۳۰). حجم نامه‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی متفاوت است؛ در برخی دوره‌ها تحت تأثیر فنون نویسندگی رایج عصر، مواردی از قبیل موزون و مسجع نوشتن و آوردن جملات موازی و مترادف قرار گرفته و تأثیرپذیری از اطناب معمول دوره مورد نظر، اگرچه نویسنده در چند سطر میتواند متن خود را بیان کند، نامه در حد چندین صفحه گسروش یافته است.

علاوه بر تأثیری که فنون نویسندگی رایج در هر دوره بر حجم نامه‌ها دارد، مواردی قبیل جایگاه مخاطب و موضوع نامه نیز در ایجاد و اختصار و یا اطناب و در نتیجه در حجم نامه تأثیر دارد؛ چنانکه در مجموعه نامه‌هایی که متعلق به دوره تاریخی واحد و حتی نویسنده است، به تناسب مخاطب و جایگاه او، اهمیت موضوع نامه و زیرگونه‌ای که نامه آن رده قرار می‌گیرد (منشور ولایت، تهنیت‌نامه، سفارشنامه و...) حجم نوشتار نامه‌ها کم یا زیاد باشد.

۲-۱-۲ ویژگیهای متمایز گونه نامه از سایر گونه‌های نثر

بررسی تقابلی اسلوب نوشتار نامه‌ها با ویژگیهای عمومی نثرهای علمی، ادبی، تاریخی، مقامه‌نویسی، داستان نویسی و غیره نشان میدهد که نامه‌ها از نظر اسلوب نوشتار دارای ویژگیهای متمایز از سایر گونه‌های نثر فارسی (نثر علمی، ادبی، تاریخی، مقامه، داستان نویسی و غیره) است. از جمله:

* در این گونه نوشتاری، مخاطب فرد معینی است که در بیشتر موارد نام، لقب و منصب او در مقدمه نامه ذکر میشود اما مخاطب در سایر انواع نثر، طیف گسترده‌تری را در بر میگیرد و مشخصاً به فرد خاصی ارجاع داده نمیشود.

* به بخش مقدمه، متن اصلی و بخش پایانی در نامه‌ها مشخص‌تر از دیگر انواع نثر است و ویژگیهایی دارند، که گونه نامه را از دیگر گونه‌های نثر متمایز میکند. در مقدمه عنوان و لقب مخاطب ذکر و در حق او دعا میشود. در متن اصلی خواسته نویسنده یا همان هدف نوشتن نامه مطرح میگردد و نامه با دعای مخاطب و یا آرزوی دیدار او به پایان میرسد.

نامه‌ها نسبت به نثرهای علمی، تاریخی و داستانی حجم محدودتری دارند. بعد از برشمردن ویژگیهای مشترک در اسلوب نامه‌نگاری فارسی و ویژگیهای متمایز آن، پرداختن به طبقه‌بندی این گونه نوشتاری ضرورت دارد. رده‌بندی نامه‌ها به مبنایی نیاز دارد. در این پژوهش بافت بیرونی و بافت موقعیتی متن به‌عنوان معیاری برای طبقه‌بندی در نظر گرفته میشود.

۲-۲ بافت بیرونی و بافت موقعیتی نامه‌ها معیاری برای طبقه‌بندی

نامه یک رسانه ارتباطی است که بوسیله آن فرد بیامی را به دیگری انتقال میدهد؛ برای مقاصد مختلفی مانند ارشاد کردن و اندرز دادن، اظهار اطاعت نمودن، تهنیت فرستادن، دلجویی کردن، درخواست عفو و بخشایش، اعلاذ فتح و پیروزی، واگذاری مشاغل گوناگون و ... در نامه مانند هر متن نوشتاری و یا گفتاری عناصر زیر را میتوان در نظر گرفت:

بافت موقعیتی

مخاطب (گیرنده) → پیام → خطاب کننده

به نظر میرسد، بر مبنای این عناصر بتوان گونه‌های اصلی و زیرگونه‌های نامه در زبان فارسی را طبقه‌بندی و توصیف کرد. طبقه‌بندی و توصیف بر مبنای بافت بیرونی و بافت موقعیتی متن؛ بافت بیرونی نامه: موقعیت فیزیکی یا اجتماعی متن و به عبارت دیگر فضایی است که نامه در آن به نگارش درآمده است و آنچه به عنوان موقعیت متن در نظر گرفته می‌شود موارد «نویسنده، مقام و موقعیت اجتماعی و علمی او، مخاطب، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی او، هدف متن یا همان نقش و کارکرد آن» (لیچ، ۱۹۸۱: ۱۳) را شامل می‌شود.

ابتدا بر اساس بافت بیرونی، نامه‌ها را به دو زیرگونهٔ درباری و غیر درباری و سپس هر یک را با توجه به مقام و موقعیت نویسنده، مقام و موقعیت مخاطب، نوع رابطهٔ نویسنده و مخاطب و کارکرد نامه رده‌بندی خواهیم کرد.

۲-۲-۱ نامه‌های درباری و غیردرباری

بر مبنای بافت بیرونی و فضای فیزیکی و اجتماعی، نامه‌های فارسی به دو زیرگونهٔ درباری و غیردرباری قابل تقسیم است. مقصود از نامه‌های درباری همان منشآت یا مجموعهٔ تراسلات است که در دیوان رسائل دربار توسط دبیران آموزش‌دیده نوشته شده است. این نامه‌ها به دستور پادشاه، امیر، حجه و... نوشته می‌شد و در واقع انعکاس‌دهندهٔ نظرات و اندیشه‌های شخص صاحب‌قدرتی است که دستور نوشتن نامه را داده است. البته میزان تیخیر نویسندهٔ نامه در انتقال درست دیدگاه‌های او بسیار اثرگذار بوده از این رو بکارگیری دبیران حاذق بسیار مورد تأکید نهاد قدرت بوده است. عبه‌الکئبه (منجیب‌الدین بدیع‌الجوینی)، نامه‌های رشیدالدین و طواط، اتوسل الی التراسل (بهاء‌الدین محمد بغدادی) و... جزو این دسته‌اند.

منظور از نامه‌های غیردرباری، نامه‌هایی است که خارج از این تشکیلات به نگارش درآمده‌اند. این نامه‌ها به دو دسته قبل تقسیم است: الف- نامه‌هایی که اگر چه نویسنده آنها بیرون از تشکیلات درباری بودند اما نامه‌ها بستان معطوف به نهادهای قدرت بوده‌اند. نامه‌های امام محمد غزالی، نامه‌های سنایی، نامه‌های مولانا که مخاطبانشان عمدتاً از این قدرت (پادشاهان، وزیران و...) است. هرچند در این مجموعه‌ها نیز نامه‌هایی وجود دارد که مخاطب آنها عالمان، قاضیان و یا کسب دیگرند. ب- نامه‌هایی که نویسنده و مخاطب دو بیرون از دستگاه قدرت جای دارند مانند نامه‌هایی عین‌القضات همدانی که مخاطب نامه‌های او بیشتر مریدان و شاگردان اویند. عین‌القضات نامه‌هایی نیز دارد که مخاطب

خاصی نداشته و با هدف تبیین اصول عرفانی مد نظر او به نگارش درآمده، این دسته از نامه‌های او را میتوان نامه‌های با مخاطب عام نامید.

۲-۲-۲ رده‌بندی نامه‌ها بر اساس مقام و موقعیت مخاطب

مخاطب نامه‌های درباری و یا نامه‌های معضوف به نهاد قدرت، عموماً پادشاهان، وزیران، امیران، قاضیان، دبیران، فقیهان و عالمان بوده، این نامه‌ها را میتوان بر اساس مقام و موقعیت مخاطب دسته‌بندی کرد. این شیوه دسته‌بندی در گذشته نیز معمول بوده، نامه‌های امام محمد غزالی بر این اساس رده‌بندی شده است. این مجموعه را یکی از نزدیکان غزالی، به درخواست جمعی از طالبان کلام او با نام *فضائل الانام من رسائل حجة الاسلام* گرد آورده و این گونه فصل‌بندی کرده است: باب اول «در نامه‌هایی که به سوک و سلاطین نوشته»، باب دوم «در نامه‌هایی که به وزیران نوشته است»، باب سوم «در آنچه به امرا و ارکان دولت نوشته»، باب چهارم «در آنچه به فقها و ائمه دین نوشته» (مکاتیب فارسی غزالی).

۲-۲-۳ رده‌بندی نامه‌ها بر عینای مقام و موقعیت نویسنده

نامه‌ها را بر اساس مقام و موقعیت نویسنده میتوان رده‌بندی کرد زیرا مجموعه نامه‌ها یا متعلق به بزرگان دینی، زاهدان و صوفیان است مانند نامه نسر به جشتسف، نامه‌های پیامبر در مجموعه‌ای به نام *وائف نامه‌های امام علی در نهج البلاغه*، مکاتیب سنایی، مکاتیب فارسی غزالی، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، نامه‌های عین‌القضات همدانی، مکاتیب عبدالله قطب بن محیی و یا بزرگان سیاسی، وزیران و سفیران مانند نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء، قائم‌مقام قراقرانی، نامه‌های امیر کبیر، نامه‌های سیاسی دهخدا، نامه‌های انکسندر گریبایدوف درباره ایران، نامه‌های خصوصی و گزارشهای محرمانه سر ریدر بولارد، نامه‌های سربازان شده‌ها از نوبی آرگون و یا بزرگان ادب و هنر مانند: کشتی و توفان، نامه‌های جلال‌الاحمد، نامه‌های کمال‌الملک، نامه‌های ادوارد براون به سید حسن تقی‌زاده. از این رده، بعنوان نمونه به توصیف ویژگیهای نامه‌های صوفیانه و منشایه میپردازیم.

۲-۲-۳-۱ نامه‌های صوفیانه

نمونه برجسته نامه‌های صوفیانه، نامه‌های عین‌القضات همدانی است. او گاه نامه‌هایش را تحت‌تأثیر «حال» و «وقت» مینویسد و ندانم که وقت چه املا خواهد کرد (نامه‌های عین‌القضات، ۱۳۴۸، ج ۲: ۱) و ندانم که وقت چه اقتضا کند (همان: ۱۸۵) و چیزها نویسم

بیخود (همان: ۱۹۷) اگر نویسم هم شاید اگر نویسم هم شاید اگر گویم هم شاید اگر خاموش باشم هم شاید (همان: ۱۹۸).

در نامه‌های صوفیانه و ویژگیهای زیر مشهود است:

در این نامه‌ها از تعبیرات و ترکیبات مربوط به تصوف به فراوانی استفاده شده است: مردان دیده‌ور (همان: ۲۰۰)، نارسیدگان (همان)، علم یقینی (همان: ۲۴۷)، نور سیاه (همان: ۲۵۵)، قبض و بسط (همان: ۲۰۰)، سکر و مستی (همان)، سرالاسرار (همان: ۱۹۷)، نام بزرگان تصوف: ابوالحسن خرقانی (همان: ۲۴۹)، ارجاعات دینی از قبیل ابراهیم (همان: ۲۳۵)، جبرئیل (همان: ۲۳۶)، مسیح (همان: ۲۳۸)، سید لولیتین و آخرین (همان: ۲۴۲)، جلال ازل (همان)، رحمت ازل (همان: ۲۴۴)، جلالت لم یزل (همان: ۲۵۰)، خرقه بیخردی، هجر، صحبت، وفای عهد، نازینتہ جدایی، حربہ هجر، آسیب دوری، کمال فراق، صدف دل، دست جفا، سرای دوستی، بستان محبت، خرمن صبر، یاد عاشقی، خلوص طؤت، بی‌وفایی، ارادت (سنایی، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۲)

در نامه‌های صوفیانه آیات قرآن و احادیث کاربرد زیادی دارد؛ نویسنده جهت برانگیختن مخاطب به انجام کاری، یادداشتن او از انجام عملی و یا برای تأیید آراء و عقاید خود به آیات و احادیث استناد میکند. البته میزان کاربرد آیات و احادیث بسته به نقش و کارکرد نامه نویسنده و مخاطب متفاوت است و با محتوای نامه متناسب است.

محتوای بیشتر نامه‌های عین‌القضات همدانی شرح و تأویل آیات و احادیث است: تأویل سوره حمد (همان، ۲: ۲۲۵ - ۲۲۶)، تأویل و التلیل اذا بیغی و النهار اذا تجلی (همان، ۲۲۹ - ۲۳۱)، تأویل و خلق الذکر و انثی (همان، ۲: ۲۲۵) و ...

سنایی (۱۳۷۹: ۵۳) نامه‌ای را که به خواجه احمد بن مسعود نوشته این‌گونه آغاز کرده است: قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «اذا حشر الخلاق يوم القيامة، قال لعبد اصطنع اليه عبد من عباده معروفًا: «هل شكرت عبدی؟» فيقول: «يا رب، ان ذلک منك، فشكرتک عليه». فيقول الله عز و جل: «لم تشکرنی، اذ انتم تشکر من اجریت ذلک علی یدہ» و سنایی نامه را با شرح این حدیث ادامه می‌دهد:

از ویژگیهای مهم نامه‌های صوفیانه این است که در مواردی از قبیل دعا در مخاطب، ابراز دوستی و اظهار اشتیاق دیندار او، از نثر صوفیانه، نثری که در آن واژه‌های ترکیبات و تعبیرهایی که در توصیف عشق ازلی کاربرد دارد و واژه‌ها و تعبیرهایی که تربیت نفس، ترک دنیا و حستن رضای خداوند بکار میرود و نیز ارجاعات دینی و احادیث در آن کاربرد فراوان دارد، استفاده می‌شود. سنایی حتی در مقدمه نامه‌ها

موضوع آن درخواست مقداری آرد است. از واژه‌ها و ترکیباتی مانند: مستی، شرابخانه قدم و سرگذشت اصحاب کهف استفاده کرده است:

بسم الله الرحمن الرحيم

قال عز من قائل و قوله الحق، «فلینظر ایها ازکی طعاما». بخشش بینش بر بخشاینده آفرینش حکایت می‌کند از آن مستانی که بوی از شرابخانه قدم یافتند. و سیصد و نه سال در یک مستی بودند. و چون از ولایت شراب در ولایت طعام افتادند، وصیتشان به تملیخا این بود که «فلینظر ایها ازکی طعاما».

غرض از این تشبیب و ترتیب این است که این آزادمرد خو'جه عبدالصمدتملیخای من است و به مدد تو بزرگ محتاج اینک مدت چهار ماه است تا این عارضه عسر سیاه‌روی گونه من زرد کرده‌است. اگر خواهد که سر من سیر بماند و سینت حاسدان من کیبود گردد. به سپیدی آرد مرا میزبانی کند (مکاتیب، سنایی: ۱۲۷-۱۲۸).

۲-۳-۲ نامه‌های منشیانه

نامه‌های منشیانه، مشابه‌هایی با نامه‌های صوفیانه دارند از جمله اینکه دارای ساختار مشابه مقدمه، متن اصلی و بخش پایانی هستند. در مقدمه و پایان این نامه‌ها، همانند نامه‌های صوفیانه دعا در حق مخاطب معمول بوده البته نوع دعاها و تعداد جملات دعایی متفاوت است. دعاهایی که در نامه‌های منشیانه نگار می‌رود، بیشتر آرزوی بقای قدرت دنیوی برای مخاطب است، مانند این نمونه که از جانب امیر خوارزمشاه به حضور سلطان سنجر فرستاده شده است:

زندگانی خداوند عالم، سلطان بنی آدم، فرمانده شرق و غرب در پادشاهی و قدرت و جهاننداری و نصرت، دراز باد هزاران سال. اولیا، منصور، و اعداء مقهور، و سعادات حاصل، و کرامات متواصل، و ایزد تعالی، حافظ و ناصر و معین (نامه‌های رشید و طواط: ۶).

این دعاها به تناسب مقام و موقعیت مخاطب متفاوت بوده است. اما دعاهایی که در نامه‌های صوفیانه به کار رفته، بیشتر درخواست عدل و داد، توفیق انجام خیرات و نیکیها، و آرزوی حلم، کرم، شفقت، رأفت، احسان و مواردی از این قبیل برای مخاطب است. به تعبیر دیگر آنچه در این دعاها خواسته می‌شود کمال معنوی و اخلاقی مخاطب و در صورتی که از صاحبان قدرت باشد، توفیق خدمتگزاری او به مردم است.

در نامه‌های منشیانه نیز همانند نامه‌های صوفیانه آیات و احادیث کاربرد دارد، اما میزان و تنوع آیات و احادیث به کار رفته در نامه‌های منشیانه کمتر از نامه‌های صوفیانه است و در بیشتر موارد فقط در مقدمه نامه‌ها به کار رفته است. مانند نمونه زیر از مجموعه نامه‌های منتجب‌الدین بدیع جوینی که عنوان آن «منصور آیات و تحنکی بلخ» است:

ثبات دولت و نظام شعل مملکت از نتایج و ثمرات اغاضت عدل و اشاعت احسانست که پندان مأموریم از آفریدگار تبارک و تقدس آنجا که میگوید در مصحف مجید: ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و دیگر جای میگوید: و احسن کما احسن الله الیک، و صاحب شریعت سید انبیاء و رسل صلوات الله علیه و علیهم اجمعین گفته است: عدل ساعة خیر من عبادة سبعین سنة (همان، ۷۴).

نامه‌های منشیانه یا نامه‌های صوفیانه تفاوت‌های دیگری نیز دارند؛ از جمله اینکه در مقدمه نامه‌های منشیانه مخاطب یا تاخصه‌های متعدد مورد خطاب قرار میگیرد اما در نامه‌های صوفیانه گاه این نوع خطابها به تمسخر گرفته شده؛ در دنیا سو را کامل الدوله میخوانند ارجو که در ملکوت نیز فردا تو را همین لقب بود (عین القضاة، ۱۲/ ۲۳۵).

تفاوت دیگر نامه‌های منشیانه یا نامه‌های صوفیانه در نوع واژه‌ها، ترکیبات و تعبیرها و مجموعه رمزگانی است که بکار میبرند. در نامه‌های منشیانه رمزگان مربوط به نهاد حکومت کاربرد بیشتری دارد. واژه‌ها، ترکیبات و تعبیرهایی از قبیل:

دوام دولت، نظام مملکت، دارالملک، خاندان دولت، بقعه همایون، مناصب، سوابق حقوق، خدمات پسندیده، انعام، اندازه استحقاق، ولایت، دیوان خاص، معاملات، ارتفاعات (درآمد)، دیوان استیفاء، در تصرف و تدبیر او کردن، خدعت و مهم نازک، شهامت و غناء و حسن سیرت، منشور، ضبط و ترتیب این مهم، جملگی اموال، مجامعت با رعایا، ولایت، قبض و تصرف، آثار کفایت، توفیر و تعمیر اموال، وجوه، ضبط و ترتیب، ثقات دیوان اشراف، دیوان ایالت و ریاست و مجلس قضا، اعزاز مقدم و احترام جانب، عمل برسم اوست، نایب عا، مصالح مهقات، رجوع بها او کنند و ... (منتجب‌الدین، ۱۳۲۹: ۵۳-۵۵).

اما در نامه‌های صوفیانه چنانکه گذشت، رمزگان مربوط به نهاد تصوف بیشتر کاربرد دارد. وجه تمایز دیگر این که گفتمان قدرت در نامه‌های غزالی و نامه‌های مولانا با گفتمان قدرت در نامه‌های منشیانه تفاوتی اساسی ندارد؛ در نامه‌های منشیانه نقطه مرکزی گفتمان «بقای حکومت» است و اگر در این نامه‌ها به خدماتی از قبیل گماشتن عاملان و قاضیان عادل، امن نگه داشتن راهها، آبادی کنروانراه، کنترل قیمت بازار و ... سفارش میشود، در نامه‌های صوفیانه این منظور است که مردم راضی و دعاگوی حکومت باشند تا بقای حاکمان را در پی داشته باشند. ولی در نامه‌های غزالی و مولانا قضیه برعکس است؛ نقطه مرکزی گفتمان قدرت «مردم» است و در این نامه‌ها به صاحبان قدرت سفارش میشود که عادل، نیکوکار، آگاه، زهد و پرهیز و ... باشند تا مردم در رفاه و آسایش بسر برند.

۲-۲-۴ رده‌بندی بر اساس رابطه عمودی / افقی نویسنده و مخاطب

بر اساس نوع رابطه نویسنده و مخاطب، نامه‌ها به دو زیرگونه رسمی و دوستانه (اخوانیات) قابل تقسیم است. در نامه‌های رسمی، رابطه نویسنده و مخاطب از نوع عمودی - فرادست به فرودست یا بالعکس - است اما در نامه‌های دوستانه این رابطه افقی است. ساختار نامه، نحوه بیان (مستقیم و غیر مستقیم)، کاربرد شاخصها و ... در این دو گونه متفاوت است.

در نامه‌های دوستانه (اخوانیات)، گاهی جمله «زندگانی فلان دراز باد» جای جملاتی را می‌گیرد که در آنها نام و عنوان مخاطب به کار می‌رود و سپس نویسنده برای دیندار مخاطب اظهار اشتیاق میکند:

زندگانی فلان دراز باد ... هیچ حسرت و رنجم وراء آن نیست که از حضور حضرت جلت ممتنع و مدفوع مانده‌ام ... (همان: ۹۹).

در مواردی نیز نویسنده نامه از ذکر اشتیاق صرف نظر میکند یا نوجیهاتی از این قبیل: زندگانی فلان دراز باد، حکایت اشتیاق نبشتن و اخلاصی را در موالات که اشهر من علم ادریس و کفر ابلیس است شرح دادن و حکایت حوادث گفتن و تفصیل آن در قلم گرفتن که در همه جاها از آن خبر است و در همه دلها از نکایت آن اثر، کار بیحیران و نبسته بیکاران باشد ... (همان: ۹۸).

سلام و تحیت فراوان فرستاده می‌آید، و در شرح آرزومندی شروع نمی‌رود ... (التوسل الی الفرسل بهاء‌الدین بغدادی: ۱۴۹)

گاهی نیز مقدمه این گونه نامه‌ها با ابراز شادی نویسنده از نامه‌ای که قبلاً از مخاطب دریافت نموده، آغاز می‌شود: خطاب شریف که در دنیا اعتدال بوقت وصول آن باشد، بوسیدم و پیغام‌های مهیج مزعج مقیم مقعد که بر زبان فلان بود و در حال تسبیح آن معتقد خویش، در موالات آن مجلس بر عالم‌الغیب عرض می‌کردم ... (همان: ۱۰۳).

۲-۲-۵ رده‌بندی نامه‌ها بر اساس کارکرد نامه

هر نامه می‌تواند یک کارکرد اصلی داشته باشد که تحقق‌بخش هدف نویسنده از نوشتن نامه است. از این دیدگاه می‌توان نامه‌ها را به انواع ارشادی، اندرزنامه، اطاعت‌نامه، تهنیت‌نامه، بشارت‌نامه، دلجویی‌نامه، عفونامه، سفارش‌نامه، شوق‌نامه و درخواست دیدار، عهدنامه، فتح-نامه، واگذاری مشاغل گوناگون با عنوان‌هایی مانند منشور ولایت، منشور وزارت، منشور قضاء، تقلید خطابت، تقلید تدریس مدرسه، تقلید نقابت سادات و ... تقسیم کرد. از آنجا که هر نامه ممکن است بیش از یک کارکرد داشته باشد، این رده‌بندی جزئی و قطعی نبوده و از سیالیت برخوردار است. اما معیارهایی مانند حجم نوشتاری که در نامه به یک کارکرد

خاص اختصاص داده شده، بافت متن و گاه ارتباط بین نامه‌ها، در تعیین کارکرد اصلی نامه می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

۲-۲-۱-۵ نامه‌های ارشادی

محتوای این نامه‌ها بطور کلی درباره انسان، سعادت و تقاوت او، مسائل مربوط به روح و روان او و راهنمایی او برای رسیدن به حق است. نامه‌های عین‌القضات را میتوان نمونه برجسته این گونه نامه به حساب آورد.

۲-۲-۲-۵-۲ اندرزنامه

نوعی نامه ارشادی است اما به جهت دانستن مخاطب خاص که نام و لقب و گاه نسب او در نامه ذکر شده، و دلالت محتوای نامه بر وقایع خاصی که در زمان مخاطب و نویسنده اتفاق افتاده، میتوان این را از نامه‌های ارشادی متمایز دانست. نامه‌های غزالی عموماً از این گونه‌اند. (غزالی، ۱۳۶۲).

۲-۲-۳-۵-۳ دلجوئی‌نامه

در اینگونه نامه‌ها از شخصی که ناراحت و دلخور شده دلجوئی میشود. ممکن است این دلجوئی بین دو پادشاه یا پادشاه و زبردستانش و در مواردی بین پدر و فرزند، استاد و شاگرد و ... پستی آمده باشد (برای دیدن نمونه، رک. مکتوبات مولانا: ۷۱). در مجموعه نامه‌های منجنبالدین بدیع جوینی، دلجوئی‌نامه، «استمالت» نامیده شده است (ص ۶۲).

۲-۲-۴-۵-۴ شوقنامه و درخواست دیدار

این گونه نامه‌ها اظهار دل‌تنگی و بیان اشتیاق دیدار مخاطب است. در صورتی که مخاطب فرادست باشد، نویسنده به او وعده میدهد که به حضورش خواهد آمد و در صورتی که فرودست باشد از او خواسته میشود که به حضور نویسنده نامه بیاید (برای دیدن نمونه رک. مکتوبات مولانا: ۶۳).

۲-۲-۵-۵-۵ سفارشنامه

نویسنده در این گونه نامه‌ها برای یکی از فرزندان، دوستان یا شاگردان خود درخواست کمک مالی و یا شغلی در تشکیلات درباری میکرده است. مخاطب این نامه‌ها معمولاً وزیران و بزرگان درباری و خواجگان و ثروتمندانند. تعدادی زیادی از نامه‌های مولانا از اینگونه است.

۲-۲-۶-۵-۶ عقونامه

در این گونه برای شخص مظنون، مجرم و زندانی درخواست عفو و بخشایش میشود (برای دیدن نمونه، رک. همان: ۷۵).

۲-۲-۵-۷ تهنیت‌نامه

این نامه‌ها به هنگام بر تخت نشستن پادشاهی، از جانب پادشاهان و حاکمان ولایتهای دیگر نوشته شده است. در ابتدای نامه، جلوس پادشاه را تهنیت گفته و سپس روابط حسنه با آن پادشاهی را یادآوری و آرزوی دوام این روابط را نموده‌اند. این گونه نامه‌ها عموماً در مجموعه نامه‌های درباری جای دارند (برای دیدن نمونه رک. نامه‌های رشیدالدین وطواط: ۱۴-۱۵).

۲-۲-۵-۸ تعزیت‌نامه

این گونه نامه‌ها را به هنگام درگذشت یکی از بزرگان مینوشتند (برای دیدن نمونه رک. همان، ۱۶).

۲-۲-۵-۹ اطاعت‌نامه

این گونه نامه‌ها از فرودستان (شاهی که قدرش کمتر و حوزه حکومتش محدودتر بود، حاکم ناحیه و ولایتی یا وزیران و کسانی که مورد سوء ظن قرار می‌گرفتند و ...) به فرادست (خلیفه، سلطان یا پادشاه مقتدر و ...) مینوشتند. نوشتن اطاعت‌نامه به هنگام جلوس پادشاه نوعی تجدید عهد به حساب می‌آمده، در مواردی نیز که پادشاهی در خطر بوده، حکومت‌های محلی برای اعلام حمایت اطاعت‌نامه مینوشتند (برای دیدن نمونه رک. همان، ۹).

۲-۲-۵-۱۰ فتح‌نامه

این گونه نامه‌ها بعد از دست دادن فتح و پیروزی در جنگ نوشته می‌شد، به منظور رساندن خبر پیروزیها به حضور پادشاه آن ولایت، فرماندهان لشکر، رعایا و پادشاهان دیگر ناز حشمت و شکوه آن پادشاهی باخبر شوند (برای دیدن نمونه رک. همان، ۷۱).

۲-۲-۵-۱۱ منشورها و فرمانها

در این گونه نامه‌های حکومتی، منصبه‌هایی از قبیل فرمانروایی ولایت، مسند وزارت، قضاوت، تدریس مدرسه، خطابت مسجد و نقیبت سادات به شخصی که شایستگی آن را داشته واگذار می‌شده است. در این نامه‌ها ابتدا شایستگیهای فرد بیان شده سپس وظایف او شرح داده شده و از کسانی که باید از او تبعیت و یا به او کمک کنند نام برده می‌شد (برای دیدن نمونه‌ها رک. منشور قضای خوارزم (همان، ۷۴). آنچه در نامه‌هایی رشید وطواط منشور قضا نامیده شده در نامه‌های دیگری عناوینی از این قبیل دارد: «تقلید (واگذار شدن) قضا ...» (منتجب‌الدین بدیع عقیه الکعبه: ۳۲). «مثال در باب قضای ممالک زاده سلطنته (بغدادی، التوسل الی التوسل: ۵۶).

۲-۲-۵-۱۲ عهدنامه

در این گونه نامه‌ها پیمانی بین شاه و خلیفه و با دو پادشاهی به منظور تحکیم روابط و تنظیم مناسبات طرفین بسته میشد (برای دیدن نمونه رک. بیهقی، ۱۳۶۸: ۱/۲: ۴۵۲).

۲- بررسی گونه نامه در تعامل با جریان‌های اجتماعی

در شناخت گونه نامه آنچه اهمیت دارد، «شناخت انگوهای زائری در قالب فرآیند، تعامل و تغییر» (مکاریک، ۱۳۸۸: ۳۷۹) است. منظور از الگوهای زائری (انگوی گونه‌ها) در نامه‌نگاری، مضامین مجموعه ویژگی‌های هر یک از زیرگونه‌ها در تعامل با نهادهای اجتماعی و تغییرات و تفاوت‌های آنها برحسب موقعیت است آنچه در انگوها بررسی میشود، ساختار نامه (مقدمه، متن اصلی نامه و بخش پایانی). بافت متن و ساختارهای زبانی (واژگانی، نحوی، کاربردشناسی و بلاغی) در تعامل با نهادهای اجتماعی است و در نهایت توصیف مجموع ویژگی‌هایی است که یک الگو را با نامهایی مانند انگوی زاهدانه، صوفیانه، واعظانه، عفونامه‌ها، سفارشنامه‌ها و ... تبیین میکنند. نمونه‌های زیر، می‌تواند به روش شدن مطلب در اینباره کمک کند:

الگوی زاهدانه- قابل بازیابی در نامه‌های غزالی - در تعامل با نهادهای اجتماعی بیوزیر نهاد علم (علوم دینی) و نهاد حکومت شکل گرفته است. غزالی بعنوان یک عالم دینی زهدی‌شده، در این انگو، آخرت را در برابر دنیا، سعادت را در برابر شقاوت، خواجگی کار دین را در برابر خواجگی کار دنیا قرار میدهد و مخاطب را که از صاحبان قدرت و یا از طبقات وابسته به قدرت و حکومت است به رو برگردانی از دنیا و گرایش به آخرت ترغیب یا التماس میکند.

مقدمه نامه‌های غزالی را- بعنوان بخشی از آنچه که در توصیف انگوی زاهدانه پرداخته به آن ضرورت دارد- مورد بررسی قرار میدهیم. مقدمه این نامه‌ها یا فاقد عناوین و القاب مخاطب و دعا و ثنای اوست، یا ذکر القاب و دعاها بسیار اندک است:

با توجه به اینکه نویسنده عالمی مانند غزالی و مخاطب یکی از صاحبان قدرت (شاه وزیر) است، این سأل را در جریان نحوه تعامل عالمان دینی و حاکمان بررسی میکنیم. مطالعه نامه‌ها و فرمانهای حکومتی دوره غزالی نشان میدهد که نهاد حکومت در کنترل علمای دینی بوده است؛ عزل و نصب مدرّسان دینی و خطیبان مساجد و مستمری به آنان و فراهم نمودن مایحتاجشان، در همین جهت میتواند باشد. از جانب عالمانی مانند غزالی براحتی خواسته‌های حکومت را نمی‌پذیرفتند و با آوردن بهانه‌های مختلف از رفتن به حضور آنها و با خدمت در دستگاه حکومت خودداری میکردند؛ به

مثال غزالی در پاسخ نامه دستگاه خلافت که او را به تدریس در نظامیه بغداد فراخوانده، با آوردن بهانه‌های مختلف از رفتن سر باز می‌زند:

عذر آنست که از عجاج از وطن میسر نشود آقا در طلب زیادت دین یا زیادت دنیا اما از زیادت اقبال دنیا و طلب آن بحمدالله تعالی که از پیش دل بر خاسته است، اگر بغداد را بطوس آورند بی- حرکتی و ملک و مملکت غزالی را مهیا و صافی و مسلم دارند و دل بدان التفات کند، مصیبت ضعف ایمان بود ... اما زیادت دین نعمری استحقاق حرکت و طلب دارد و شک نیست که افاضت علم آنجا میسرتر است و اسباب ساخته تر و طلیه علم آنجا بیشترند لیکن ... اینجا قریب صد و پنجاه مرد مختل متوزع حاضرند و باستفادات مشغول و نقل ایشان و ساختن اسباب آن متعذر و فرو گذاشتن و رنجاندن این جماعت بامید زیادت عدد جای دیگر رفتن رخصت نیست. عذر دوم آنست که ... امروز علائق و فرزندان پیدا آمده‌اند و عذر سیم آنکه چون بر سر تربت خلیل علیه- السلام رسیدم در سنه تسع و ثمانین و اربعه‌ماه و امروز قریب یازده سالست سه نذر کردم یکی آنکه از هیچ سلطانی هیچ مالی قبول نکنم و دیگر آنکه به سلام هیچ سلطانی نروم سوّم آنکه مناظره نکنم ... و در بغداد از مناظره کردن چاره نباشد و از سلام دارالخلافه امتناع نتوان کرد و در آن عدت که از شام باز رسیدم در بغداد بکس سلام نکردم و مسلم بودم بحکم آنکه در هیچ شغل صاحب تصرف نشدم، با اختیار خود منزوی بودم، چون در میان کاری باشم البته مسلم نتوانم زیست و معظم‌ترین عذر معین اینست که چون از سلطان مال نستانم و ببغداد ملکی ندارم راه تعیش بسته بود ... در جمله چون عمر دیر کشید وقت وداع قراقت نه وقت سفر عراق (مکتوبات فارسی، غزالی: ۴۲).

بررسی الگوی زاهدانه در بافت اجتماعی دوره غزالی و نحوه تعامل او با صاحبان قدرت نشان می‌دهد که فقدان عناوین، القاب، دعا و ثنا در مقدمه نامه‌های شگردی در حفظ اقتدار نویسنده در برابر صاحبان قدرت و به رخ کشیدن قدرت عالمان و زاهدان است. در نامه‌های مولانا که شاید تعبیر الگوی واعظانه برای آنها مناسب باشد، وضعیت مقدمه نامه‌ها به گونه‌ای متفاوت است؛ بعنوان مثال در آغاز نامه‌های مولانا برای مخاطب القاب و عناوین متعدّد آمده است، نمونه به فخرالدین عی صاحب عضا در سفارش یکی از فرزندان خود:

سایه عدل و رأفت ملک‌الوزراء، ناصر الخیرات، معیت الخلائق، اب‌الملوک و السلاطین، بر کافه اسلامیان، سالهای نامحصور باقی باد! سلام و دعا از سر صدق و وفا و وفور هوی رسانیده می‌آید و شکر ایادی و احسان و عنایت‌ها که فرموده‌است در حق این داعی و برادران و متعلقان این داعی در شرح و بیان و تسطیر بنان در نیاید، در این وقت، فرزند و داعی‌زاده متوجه رحمت و عنایت موقوف قدیم ملک‌الوزراست و جز آن عنایت و آن لطافت امروز پناه طالبان نیست تا در سایه رحمت از تاب و سوزش مزاحمان خلاص یابد ... توقع می‌دارم که وظیفه کهنرتوازی و عنایت قدیم بر وی گسترانند، که آن دولت مستدام باد! آمین یا رب العالمین (مولوی، ۱۳۷۱: ۱۱۶).

اگر این ویژگی خارج از نحوه تعامل نویسنده با نهادهای قدرت و ایدئولوژی پنهان متن مورد توجه قرار گیرد، ممکن است تفاوت آشکاری بین شخصیت مولانا در نامه‌ها، مثنوی و غزلیات شمس به نظر برسد و مولانا نه آن عارف بریده از دنیا در مثنوی و نه آن روح بی‌تعلق بی‌پروا در غزلیات شمس، بلکه شخصیتی وابسته به قدرت حاکم و متملق و چرب‌زبان تلقی شود. در حالیکه اگر این ویژگی را در قالب یک فرآیند و با توجه به اندیشه‌های بنیادی نصوص بررسی کنیم، در شناخت متن و اندیشه‌های مطرح در آن به توصیفی از این قبیل می‌رسیم: در این نامه‌ها، مولانا از شیوه توفیقی استفاده میکند و آوردن اکتاف و عناوین متعدد و دعای مخاطب، حاصل تعامل صلح‌جوانه نویسنده با جریان قدرت است. او با جهت‌گیری مثبت و بکارگیری شیوه‌های توفیقی، مخاطب را به قرار گرفتن در مسیر الهی و به جود و احسان و نیکی تشویق میکند تا مفاد نوع‌دوستانه مطرح در نامه را به انجام رساند. اهداف نامه‌های مولانا مواردی است مانند درخواست کمک مالی برای شخصی بدهکار، آزاد کردن یک زندانی، درخواست عفو و بخشایش گناهکاران و ...

بنابر آنچه گفته شد، در الگوها، ویژگی‌های هر گونه در قالب تعامل با نهادهای اجتماعی (نهاد قدرت، تصوف، علم، زهد و ...) و با توجه به ایدئولوژی پنهان متن بررسی میشود و به تغییرات هر گونه بر حسب موقعیت و در جریان تعامل با نهادها و ارتباط‌های واقعی افراد پرداخته میشود.

نتیجه:

در این پژوهش، نامه‌ها بر مبنای بافت بیرونی (موقعیت فیزیکی یا اجتماعی متن و به عبارت دیگر فضایی است که نامه در آن به نگارش درآمده است) و موقعیت متن (نویسنده، مخاطب، مقام و سیاسی او، مخاطب، مقام و موقعیت اجتماعی و سیاسی او، نوع رابطه نویسنده و مخاطب و هدف متن یا همان نقش و کارکرد آن) رده‌بندی و توصیف شده‌اند. بر مبنای بافت بیرونی به دو زیرگونه درباری و غیردرباری، و بر مبنای مقام موقعیت نویسنده به زیرگونه‌های صوفیانه، زاهدانه، منشیانه، نامه‌های اهل سیاست و ادب، بر اساس مقام و موقعیت مخاطب نامه‌های درباری و یا نامه‌های معطوف به نهاد قدرت به انواع نامه به پادشاهان، وزیران، امیران، قضایان، دبیران، فقیهان و عثمان، بر مبنای رابطه نویسنده و مخاطب به انواع نامه‌های رسمی و غیررسمی و بر اساس نقش یا کارکرد اصلی، نامه‌ها به انواع ارشادی، اندرزنامه، اطاعتنامه، تهنیت‌نامه، بشارتنامه، دلجوئی عفونامه، سفارشاتنامه، شوقنامه و درخواست دیدار، عهدنامه، فتحنامه، و آگهی‌های گوناگون با عنوانهایی مانند منشور ولایت، منشور وزارت، منشور قضا، تقلید خطابت

تدریس مدرسه، تقلید نقابت سادات و ... دست‌نبدی شده است. در پایان، مطالعه مجموعه ویژگی‌های هریک از زیرگونه‌ها در قالب تعامل با نهادهای اجتماعی (نهاد قدرت، تصوف، علم، زهد و ...) و ارتباط‌های واقعی افراد، و نیز با توجه به ایدئولوژی پنهان متن و تعبیرات هر گونه بر حسب موقعیت مورد توجه قرار گرفت.

فهرست منابع :

- ۱- آراگون، لویی (۱۳۳۷). نامه‌های تیرباران‌شده‌ها. ترجمه محمود تقصّلی، تهران: امیرکبیر.
- ۲- آل‌احمد، جلال (۱۳۶۴). نامه‌های جلال آل‌احمد، گردآورنده علی دهباشی، تهران: پیک.
- ۳- الکساندر سرگی‌ویچ (۱۳۵۶). نامه‌های الکساندر گوبیایدوف درباره ایران مربوط به سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار، تهران: نفی.
- ۴- امیرکبیر، تقی (۱۳۷۱). نامه‌های امیرکبیر بانضمام رساله نوادرا لامیر، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ۵- بغدادی، بهاء‌الدین محمد بن مؤید (۱۳۱۵). التوسل الی الترسل، مقابله و تصحیح احمد بهمنیار، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۶- بولارد، سرریدر (۱۳۷۱). نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سر ریدر بولارد، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران: طرح نو.
- ۷- بهار، محمدتقی (۱۳۶۹). سبک‌شناسی، تهران: سپهر.
- ۸- بیهقی، ابولفضل (۱۳۶۸). تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب‌رهر، تهران: سعدی.
- ۹- حاج‌آقا بابایی، محمدرضا (۱۳۸۲). بررسی نثر در دوره قاجار و تعیین حوزه‌های آن، رساله دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۰- حقاقد عادل، غلام‌علی (۱۳۸۱). «ارزش ادبی مکتوبات مولانا»، نامه فرهنگستان، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۱۷۸-۱۹۸.
- ۱۱- _____ (۱۳۸۱). «چهره مولانا در آلبوم شخصی او»، نامه فرهنگستان، دوره پنجم، شماره سوم، صص ۵-۲۶.
- ۱۲- حمیدالله، محمد (۱۳۶۵). وثائق، نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر بنیاد.
- ۱۳- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۸). نامه‌های سیاسی دهخدا، تهران: روزبهان.
- ۱۴- زولوندی، محمدبن علی بن سلیمان (۱۳۳۳). در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، تهران: علمی.
- ۱۵- رشیدالدین، وطواط (۱۳۳۸). نامه‌های رشیدالدین وطواط، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ۱۶- زویاب، عباس (۱۳۵۴)، نامه‌های ادوارد براون به سید حسن تقی‌زاده. تهران: کتاب‌های جیبی.
- ۱۷- سنایی، مجدود بن آدم (۱۳۷۹)، مکاتیب سنایی، تهران: انتشارات ادبی و تاریخی.
- ۱۸- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۶)، نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالصمد آیتی، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- ۱۹- عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد (۱۳۴۸)، نامه‌های عین‌القضات همدانی، تصحیح علینقی منزوی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۰- غزالی طوسی، محمد (۱۳۶۲)، مکاتیب فارسی غزالی: فضائل‌الاتام من رسائل حجة‌الاسلام، تصحیح عباس اقبال، تهران: امیرکبیر.
- ۲۱- ظهیرالدین نیشابوری (۱۳۳۲)، سلجوقنامه، تهران: گلاکله خاور.
- ۲۲- فضائی، مریم (۱۳۸۸)، بررسی سه متغیر زبانی شیوه بیان، صورت‌های ارجاعی (ضمایر) و القاب در مکتوبات مولانا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۲۳- قائم‌مقام، ابوالقاسم بن عیسی (۱۳۵۸)، نامه‌های سیاسی و تاریخی سیدالوزراء قائم‌مقام قراهنی (دربارۀ معاهده صلح ترکمانچای و غرامات آن)، گردآورنده و مصحح جهانگیر قائم‌مقامی، تهران: دانشگاه ملی ایران.
- ۲۴- قطب شیرازی، عبدالله (۱۳۵۶)، مکاتیب عبدالله قطب بن عحیی، تهران: خانقاه احمدی.
- ۲۵- کمال‌الملک، محمد (۱۳۶۴)، نامه‌های کمال‌الملک، تهران: بزرگمهر.
- ۲۶- مکاریک، ایرنا ریعا (۱۳۸۸)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، تهران: آگاه.
- ۲۷- منتجب‌الدین بدیع جویی، علی بن احمد (۱۳۲۹)، عین‌الکتب، تهران: چاپ سربی.
- ۲۸- مولانا، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۱)، مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، تصحیح توفیق سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۹- مینوی، مجتبی (۱۳۱۱)، نامه تنسر، تهران: عطیفة مجلس.
- ۳۰- یزدانپور، احمد (۱۳۷۵)، «حسینعلی خان نظام گروسی و مجموعه مکاتیب او»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۱

Abd el-Mohsen Bakir. 1970, Francis Xavier J. Exler. 2003, A Study in Greek Epistolography: The Form of the Ancient Greek Letter.

۳۲

Leech, G.N., 1985, principles of pragmatics, London: Longman. Momin

۳۳

Abhiuddin. 1971, The chancellery and Persian epistolography under the Mughals, from Babur to Shah Jahan. 1526-1658:: A study on Isha, Shikasta, and Munshis based on original documents, Unknown